

برای در ست دیدنِ آینه، باید از پشت به آن نگرِیست

■ **آیا این نگره شما که می‌تنی بر نگرِ یستن به پشت آینه است و نه درون آن، باعث تهی شدن آینه از دلالت‌های همیشگی آن نمی‌شود؟! این رویکرد به عنوان مانعی بر سر مولفه‌های همیشگی زیبایی شناختی آینه عمل نمی‌کند؟**

هم تهی می‌کنند و هم تهی نمی‌کنند. این بسته به نوع نگرش شما به عنوان مخاطب آثار من دارد. من می‌گویم این روایت زندگی من است؛ روایتی که من در این مجموعه، با این بیانیه و با این شعار به مخاطب می‌گویم و چون از متریال آینه استفاده می‌کنم، شما به هر روش و با هر لنزی که به این آثار نگاه کنید آن خوانش شما هم درست است. من اصلا خود را جزو آن دسته از هنرمندانی نمی‌دانم که بگویم فقط از لنز من به آثارم نگاه کنید، چون آینه را خیلی بالاتر و بزرگ‌تر از این می‌دانم که برای مخاطبانی که این متریال برایشان عزیز شده بخوام خط‌مشی تعیین کنم. خبر این روایت من است و مخاطب من به هر شکلی که آن را باز خوانی کند درست است.

■ **ارزش‌های مفهومی آینه در کار شما دقیقا چیست؟ آیا در جهت رسیدن به نوعی مینیمالیسم است که در پیوندی مدام با هنر های مفهومی قرار دارد؟**

من به‌طور کلی معتقدم، در هنر معاصر، مادیگر از جنبش‌ها و سبک‌ها پیروی نمی‌کنیم و هیچ هنرمندی هم دیگر جنبش و سبک جدیدی را به وجود نمی‌آورد. ولی اگر بخوام جواب سوال شما را دقیق‌تر بدهم، در برخی آثارم می‌توانم آنها را پست‌مینیمالیسم بدانم، نه مینیمالیسم. درواقع آنها را بیشتر از آنکه هنر مفهومی (Conceptual Art) بدانم، هنر روایی Narrative می‌دانم.

■ **آینه به عنوان یک ماده خاص هنر معاصر، بدون شک در خود حاوی اشارات متافیز یکی است که در فر هنگ ایرانی ریشه در حکمت استعاری و ادبیات فارسی دارد و از همین نگره همیشه با مفاهیمی چون شفافیت، روشنایی، پاکی و صداقت همراه بوده. آیا این اشارات برای شما اهمیت دارد یا به این اشارات توجه داشته‌اید؟**

مطمئناً وقتی به آینه نگاه‌و یا یک کار خلاقانه می‌کنید، این مفاهیم در هر جای دنیا که باشید ناخوسته مدنظر قرار می‌گیرد؛ ولی من معتقدم به عنوان یک هنرمند معاصر زبان مادری (MotherTongue) دارم؛ ولی مکان مادری (MotherLand) ندارم. این به این معنا نیست که من ایرانی نیستم؛ من با افتخار ایرانی‌ام ولی در هنر معاصر اگر بخوام کارم را در سطح بین‌المللی مطرح کنم نباید آن را به زیبایی‌شناسی و قواعد و قوانین هندسی و هر چه که به جغرافیای من مربوط می‌شود، الزام‌محدود کنم. بازار هنر معاصر، موزه‌های هنر معاصر و مخاطبان هنر معاصر، خوانش‌های مختلفی دارند که من فکر می‌کنم این خوانش‌ها خیلی بزرگ‌تر از این است که هنرمند بخواد خودش را وابسته به جغرافیا کند.

■ **البته امروز در بین هنرمندان معاصر افراد موثقی داریم که جغرافیای‌شان را باز خوانی و باز نمایی می‌کنند...**

من خودم را جزو آن دسته قرار نمی‌دهم. من در زندگی شخصی‌ام زبان مادری‌ام فارسی است؛ ولی در کارم از یک زبان جهانی تبعیت می‌کنم.

■ **در تفکر عارفانه ایرانی تصویر در آینه، همی بیش نیست یا همان طور که ببید لدلولی (شاعر آینه‌ها) بیان کرده، وجود جسم و تصویر آن، وهم و خیالی بیش نیست. آیا به این تلقی از آینه هم فکر کرده‌اید؟**

نه، من به این دلالت توجهی نداشتم؛ ولی اگر بخوام اشعرا یا نویسندگان ایرانی کسی را نام ببرم که تحت تاثیرش بوده‌ام و از مطالعه نوشته‌هایش لذت می‌برم، پرویز شاپور است و کتاب «کار یکلماتور» اش. عباراتی از این کتاب را برسی برای یاتان نقل می‌کنم که خیلی برایم جذاب است: «آینه‌ای که عقب عقب کار می‌کند، تصویر گذشته‌گان را نشان می‌دهد». «تصورم آنچنان با من فکر کرده است که وقتی برابر آینه می‌ایستم، پشت سرش را هم نگاه نمی‌کنند»، «وقتی برابر آینه غبار گرفته می‌ایستم، لباسم را اگر دیگری نمی‌کنم»، «ماهی در آن سوی آینه آب، زندگی می‌کند» و «عمرم در برابر آینه‌ای گذشت که تصویرت را در آن جا گذاشته بودی». من احترام می‌گذارم به تمام شاعرانی که در آثارشان از آینه استفاده کرده‌اند؛ ولی پرویز شاپور خیلی برای من معاصر تر است و به روحیه و طرز فکر کردن من نزدیک.

■ **مخاطب محوری یکی از ویژگی‌های شاخص آثار شماست. آیا موافق این برداشت هستید که کاربرد عنصر ریتم و تکرار و ایجاد توهم در آینه‌ها، تلاش شما برای رسیدن بیشتر به این مخاطب محوری است؟**

تلاش من این نیست؛ ولی این اتفاق می‌افتد. آینه وقتی برش‌های زیادی می‌خورد، چه در قالب هندسه ایرانی و آینه‌کاری ایرانی و چه در قالب نگاه من، آن را روی هر سطحی بگذارید هم چشم‌نواز می‌شود هم چشمگیر و این ذات آینه‌است. کاری نیست که فقط من با آینه بکنم، هر کس دیگری که با آینه کار کند این اتفاق می‌افتد.

■ **از چگونگی شکل گیری نمایشگاه تان در گالری هلمر بگویید...**

موقعی که تصمیم گرفتم نمایشگاه انفرادی خودم را برگزار کنم، انبوهی از ایده‌ها در ذهنم بود. من از طریق پویاصیادی دوست‌زمان جوانی‌ام با دایی ایشان استاد نیکزاد نجومی آشنا شدم و از ایشان راهنمایی خواستم که چطور می‌توانم در بستر هنر معاصر ایده خودم را در زمان، مکان و شرایط درستی ارایه کنم؟ این را بگویم که من بعد از صحبت با آقای آقایی، تصمیم گرفتم که دیگر تکنیسین نباشم و هنرمند باشم. صحبت با استاد نجومی به اینجاسید که ایشان به من گفتند تو کارهای زیادی می‌کنی که همه‌شان هم خوب است؛ ولی اگر من این کارها را به یکی از دوستانت که در صحنه هنر هست نشان دهم می‌گوید این جوان با استعدادی است؛

هنر و ادبیات



به بهانه هشتاد سالگی خالق «گوزنها»

جذابیت‌های پنهان سینمای کیمیایی

مسعود جان عزیز یسار دیرین... مدتهاست که از تو دورم، مدتهاست که دلتنگ توام، به یاد آن شبهای روشن که با جواد یک رویا و از رویی برای شب افتتاحیه نمایشگاهش از من هم به جهت اینکه آدم رویاپردازی هستم، رویاهای بزرگی در سر داشتم و به جرات می‌گویم دهها برابر رویایم برآورده شد. خیلی از این نمایشگاه استقبال شد، قرار بود این نمایشگاه یک ماه دایر باشد که خانم هلر تصمیم گرفتند این آثار به مدت شش ماه در گالری بماند. آثار این نمایشگاه با اضافه کردن هشت اثر دیگر، کامل‌تر خواهد شد تا اینکه پرونده مجموعه آینه بسته شود و ما به مجموعه سیمرغ بر بازیم. من یک قرارداد پنج‌ساله انحصاری با گالری هلر دارم. تجربه فوق‌العاده‌ای بود و آن را برای هر جوان دیگری از روی من، مطمئناً مادر مملکت‌مان هنرمندان بسیار شایسته‌ای داریم که سکوهای موفقیت تمنای حضور قدماهای آنها دارد.



پرویز نوری

خودمان. به یاد آن دور دورها وقتی که داشتی «قیصر» را می‌ساختی دلم می‌خواست که در کنارت هنگام ساخت بودم اما نشد. به یاد خیلی چیزهای خوب آن موقع‌ها که دیگر نیست، سینمای ما که سینمایبود وفیلم‌هایی که: لال و شفاف و متعالی و ما را به دنیای تکنی کالر می‌برد، یاد هست روزی که بعد از نمایش «قیصر» با محمد شهرزاد آدمید دفتر آریانا فیلم با تو به گفت‌وگو نشستیم؟ می‌دانی این موضوع مال کی است؟ نیم قرن پیش، گذاشتیم و گذشتیم. خوشحالم که همچنان سری پای و فیلمسازی، شنیدم که فیلم قبلی‌ات «خون شد» بسیار خوب بوده

درباره آقای کیمیایی که همین روزها ۸۰ ساله شد و باشد که بیاید و تا سالیان بعد از این از برکت وجودش ما را بهره‌مند سازد، بارها و بارها نوشته‌ام و اگر خدا بخواد بعد از این هم خواهم نوشت. اما در این مجال کوتاه علاوه بر تبریک مجدد به مناسبت سالروز تولدش فقط می‌خواهم به یک نکته کوچک اما به زعم خودم مهم، در زندگی او اشاره کنم و آن درستی است که او از



سید عبدالجواد موسوی

درباره «مسعود کیمیایی» در آستانه هشتاد سالگی «رد پای سواری زخمی بر پرده سینما»

سرزمین موعود، دندان‌دانیال (تارخ) را می‌کشد و پرونده او اموحه نمی‌داند و در ادامه این نمایه اتاق مجاور می‌رسد که موهایی چند، زن را به خاطر شک به تیغوس می‌تراشند. از این صحنه‌های پر معنا و در چه در فیلم کم نبود، درد دل‌ها و ضجه‌های مونس و خیال، کلیوس‌های انبیا ل اولمان بر خورد نوری خبرنگار با برادر بزرگ‌ترش در کمیساری، بر خورد و درگیری نوری با مسوول روزنامه و دیالوگ‌های به شدت درست و تاثیر گذارش در خصوص بر خورد روزنامه‌ها با اتفاقات روز، سکاس‌هایی که در بندر می‌گذرد و اولین برخورد نوری با دانیال و زنش در مسافر خانه و... واقعا سکاس‌های ماندگار فیلم بسیارند. جالب اینکه این فیلم در شرایطی تانمساعد جنگ و بمباران و نیز در حالی ساخته می‌شود که از تیم دوستان ثابت و قدیمی کیمیایی دیگر خبری نیست و اغلب همکاری‌اش چنه در پشت و چه جلوی دست کم می‌توان گفت کم نظیر است و تازه در این حجم از فعالیت‌ها از زمان و شعر نوشتن و فیلم ساختن و همزمان با اینها یک کارگاه آموزشی را اداره کردن و

امید جوانبخت

در اوایل دهه شصت و اوایل جوانی‌ام که خوره فیلم و کتاب و مجله بودم روزی پدر کتابی آورد با عنوان معرفی و نقد آثار «مسعود کیمیایی» که مجموعه مقالاتی بود که زندیاد «آرون قوکاسیان» گردآوری کرده بود با نقاشی مسجور کننده «یدین‌آز» چهره فیلمساز روی جلش. نگاه ناقد «کیمیایی» و البته مقالات متنوع منتقدین و روشنفکران درباره آثار پیش از انقلاب او در برهوت آن سال نشان از اهمیت آثار کیمیایی داشت. از تنه‌های فیلم بعد از انقلابش هم که توقیف شده بود جز چند عکس چیزی در دست نبود. فیلم «تیغ وابریشم» ۶۴) که یادداشت کیمیایی در روزنامه جشنواره تنه‌ماجله سینمایی آن سال‌ها (فیلم) نشان از حذفیات عمده‌ای در آن داشت (که آمد فضایی خاصی نسبت به فیلم‌های آن سال‌ها داشت با پوستری بسیار متفاوت از دست‌ی و تیغی معلق که گش را بریده بود و البته خیلی زود با چند پوستر تجاری تعویض شد. هر چند شخصیت تنه‌ای پارس پیرایم جالب بود اما «سرب» که آمد چنان جایش را در دلم باز کرد که «کیمیایی» و سینمایش برایم بسیار جدی شد. او در مطلبی پیش از جشنواره هفتم به اینکه «در سرب به‌شدت خودم هستم» تاکید کرده بود و هر چند فیلم بر مبنای سنار یویی مصوب ساخته شده بود اما کیمیایی چنان با رنگ و سلیقه خود آن را منقش کرده بود که تمام اجزایش بوی کیمیایی را می‌داد. پس از انتشاری که روی عکس‌های آوار گان و مورچگان در حال حرکت با آن موسیقی سرد و سنگین می‌آمد، سکاس پیوسته افتتاحیه فیلم که از آوان گان منتظر در صف به تدریج به اتاقی می‌رسید که زنده‌یاد «جلال مقدم» با مأمونولوگی پر معنا یا افتخایی تابان یا بیری بر باران، انتخابش با توا»

آنچه پیش از انقلاب ساخته) نیاز به درک ماهیت تکنیک و جوهر سینمایی خود کیمیایی را در کافی است نگاهی داشته باشیم به «قیصر» او می‌دانیم که فیلم‌ماذگار ی است. فیلم همه زمان‌ها که هیچ وقت کهنه و رنگ باخته نمی‌شود (مثل بسیاری از فیلم‌های بزرگ دیگر). یادم هست اولین نقدا را بر این فیلم من در مجله «ستاره سینما» نوشتم با عنوان «سینمای ایران تولد یافت» و بعد دیگران به وفور در باره‌اش نوشتند، «قیصر» گرفت و نوع سینمایی دیگر را سبب کرد. در حقیقت زسناسی در سینمای از با افتاده‌ما ایجاد کرد. چرا «قیصر» چنین کرد؟ به درستی نمی‌توان پاسخی برای این سوال یافت. شاید آن سوی دیگر سینمایی بود که سال‌ها بر آن سینما سایه انداخته بود. آنچه قیصر را از آن

سینمای عامی و متعارف متمایز می‌ساخت، نگاه و شکل بازگویی نامتعارف فیلمساز بود. درست در زمان و موقعیتی مناسب، درست در لحظه‌ای که باید به وقوع می‌پیوست. «قیصر» تک‌های از جامعه بی‌عدالت، نامردمی و نابرابری‌ها بود. تفاوت قیصر از آنجائانسی می‌شد که قهرمان این بار

مسعود کیمیایی و اراده معطوف به حیات

در کنار همه اینها از حال و احوال رفقا غافل نشدن در خفر اقلیایی رخ می‌دهد که همه ما می‌دانیم در این سرزمین برای ساختن یک فیلم یا چاپ یک رمان باید چه مصائبی را به جان خرید. کیمیایی در جایی گفته بود اگر نمی‌توان هیچ کاری کرد همین نمی‌توان هیچ کاری کرد راهم باید به زبان هنر بیان کرد. در همین ایام کرونا که دل و دماغ هر کاری را از آدم گرفته‌ا و مشغول کارهای نهایی آخرین فیلمش است و همزمان به ساخت فیلم بعدی فکرمی‌کنند. از شعر هم غافل نیست و آخرین رمانش را هم از یاد نبرده. نقاشی را هم که چند وقتی



بیش از آنچه ظاهری و مادی عمل کند، احساسی و درونی بود. برای همین هم بود که شخصیت او به آدم‌های معمول بیشتر نزدیک بود تا یک قهرمان ساختگی، به همین رو مخاطب خود را در کنار «قیصر» و با او در کشاکش همه اتفاقات می‌دید. نظرم بر این است در بهترین فیلم کیمیایی «گوزنها» به خوبی می‌توان لحظه‌های احساسی سینمایی را دید، یعنی تحقق بخشیدن و واقعی کردن تم و محتوای داستان در قالب «سینمای خود کیمیایی» به عبارت دیگر به کار گرفتن تکنیکی که نه تنها تماشاگر را وامی‌دارد آنچه را روی پرده در هر لحظه می‌گذرد «بینند»، بلکه کاری می‌کند که جلوه و تجسم واقعی آن لحظه خاص را در همان لحظه تجربه و احساس کند. این را بگویم که من هنوز هم از هواخواهان سینمای کیمیایی هستم و طرفدار نوع نگاه و فکر و اندیشه او... جذابیت مسعود جان کیمیایی در این نکته نهفته است که می‌تواند همچنان هم منتقدان قدیمی را با فیلم‌هایش نوع نگاهش را ضا کند و هم منتقدان جوان امروزه را تحسین و تعریف و ادب مبارک باشد تولدش.

است شروع کرده خیلی جدی گرفته است. احمد رضا احمدی سطری دارد که من آن را خیلی دوست می‌دارم. عمرم کفاف بودندم را نمی‌دهد. فکر می‌کنم این سطر بیش از هر کس دیگری مصداقش همین رفیق قدیمی احمد رضا احمدی است و باز فکر می‌کنم مسعود کیمیایی بیش از هر کس دیگری این جمله‌نیار با گوش جان شنیده و به همین دلیل است که بی‌پروای مدح فلاسی و قلدح بهمانی این همه کار می‌کند: آنکه غریبا به دست دارد؛ از عقب کاروان می‌آید. در دبر جان تابناکش که مشرق مهر و معرفت است.



سکاس‌های بر جسته فیلم و سینمای ایران است و فیلم «رد پای گرگ» ۷۱) حضور دوباره «فرامرز قریبیان» دوست قدیمی کیمیایی ۱۶ سال پس از «فلز» نقشی ماندنی را رقم می‌زند. فیلمی که بایک عکس در فضای بر ف‌الود درند از دو دوست قدیمی شروع می‌شود. طعم دیدن نسخه اصلی و بدون حذفیات فیلم با تصاویر درخشان محمود کلاری در جشنواره یازدهم (۷۱) هنوز و همیشه با من است. این فیلم نیز چون دو فیلم قبلی مشحون از صحنه‌هایی است که مجبور مانده کیمیایی که به یمن مسوولان وقت در چه ج گرفت و در سینماهایی محدود و نامناسب در نوروز روی پرده رفت، اما برایم خیلی عزیز است در آن زمان نزدیک به دار فیلم را در سینما دیدم هر بار مسحور فضاسازی فوق‌العاده آن بودم. فیلمی کم دیالوگ که بازی‌های درخشانی از دربار تبعات جنگ ساخت. نگاه دقیق و درست در کار و «شاهد احمدلو» داشت و حال و هوای مرزهای ایران و شوروی که از تازه باز شده بود به خوبی در دل داستان به تصویر می‌کشید. سکاس افتتاحیه فیلم که بارگشتر ستم دره کلایه به زادگاهش و مغازه برادرش و اولین برخوردش با زنش در چاله تعویض روغنی بدون هیچ دیالوگی یکی از

رهبر انقلاب در دیدار با رییس جمهوری و اعضای دولت دوازدهم:

معلوم شد اعتماد به غرب جواب نمی دهد دولت هر جا کار را منوط به غرب کرد، ناموفق بود

مقاله ای از سید محمود کاشانی

قانون شکنی دولت ها در مالکیت خصوصی

چرا واگذاری اموال دولت نیازمند مجوز قانونی است؟

بلیکن بدون اشاره به شرط گذاری های عجیب
واشنگتن ایران را به وقت کشی در مذاکرات متهم کرد

گره های کور دور هفتم مذاکرات وین

رسانه ها: ایران دیگر به معامله حداقلی رضایت نمی دهد

ارزیابی یک کارشناس اقتصادی از چشم انداز نرخ دلار

ر کورد بعدی نرخ دلار کجاست؟

در ۱۹ ماه گذشته، بیش از ۱۰۰۰ مهماندار قطار
با حکم پیمانکاران اخراج شدند

تاوان «سوء استفاده از کرونا»

سرخ هازیر باران
سرود کالات قهرمانی
سر دادند

یه پر سپولیس یه ایران...

به بهانه هشتاد سالگی
خالق «گوزنها»
جاذبیت های پنهان
سینمای کیمیایی

سرمقاله

تاریکی تاریخی مجلس

قانونگذاری و وظیفه مجلس است اما وقتی موضوعی با نظر اکثریت مردم، در تضاد است نباید در دستور کار مجلس قرار گیرد. مردم ما امروز با مشکلات عدیده معیشتی، بیکاری و عدم تناسب درآمدها و هزینه های شان مواجه هستند و حوزه فضای مجازی هر چند خیلی مهم است ولی از نظر مردم امروز در اولویت نیست و باید موضوعات روز مردم در اولویت قرار می گرفت. بنابراین این طرح صیانت جدا از محتوای آن، باید در زمان دیگری مطرح می شد. اما در خصوص تصویب این طرح جهت راجع به کمیسیون فرهنگی و خروج آن از صحن علنی، توجیه منطقی وجود ندارد. **ادامه در صفحه ۲**



محمد تقسیم عثمانی

گفت و گو

مغایرت با قانون اساسی

رضاییان: طرح صیانت از فضای مجازی عملاً نوعی محدود کردن کاربران ایرانی در فضای اینترنت است. **مجید رضاییان** پژوهشگر ژورنالیسم بر این باور است که در فضای مجازی خیلی چیزها از فضای واقعی سرچشمه می گیرد، ما چیزی داریم که نظریه بسیاری از جامعه شناسان در دنیا و ایران بوده که آن هم بحث سرمایه اجتماعی بر مبنای اعتماد است. مجید رضاییان، استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم، در گفت و گو با سایت خبری مدارا درباره تصویب طرح صیانت از فضای مجازی در مجلس گفت: درباره این طرح و تصویب آن در صحن علنی مجلس باید به قانون اساسی رجوع کنیم. **ادامه در صفحه ۸**



مجید رضاییان

سرانجام شعارهای مجلس انقلابی
در خصوص معیشت با تصویب طرح
ضد اینترنتی چه خواهد بود؟

تجربه شکست خورده

آمار و ارقام در خصوص
واکنش کاربران فضای مجازی
به تصویب طرح
«صیانت از حقوق کاربران»

۸۰۲ | علی احمدوند / آنا



جامعه

وضع جدید در مقابل مطالبات انبوه مردم

زمان زیادی است که براندازان به فراست متوجه شده بودند دومین واکنش بسیار بدتر است، روند روبه رشد گرایش به مهاجرت از کشور، نمی دانم که مشاوران شما این موارد را با تاب می دهند یا خیر؟ در همین روزهای اخیر مطالبی با اخباری رami خوانیم بامی شنویم که گرایش شدیدی به مهاجرت عمومی و به طور مشخص نخبگان از کشور آغاز شده است، رشد شدید و حتی چند صد درصدی یافتن کلمات و مفاهیم مرتبط با مهاجرت در گوگل نمونه آن است. ولی ما که حوصله خواندن نوشته های افراد محترم و نخبه کشور شامل کارآفرینان، پزشکان، جوانان خلاق و... را داریم، با قلبی اندوهناک باید شاهد خالی شدن کشور از نیروهایی شویم که در اینجا آموزش دیده اند، ثروت کسب کرده اند و باید در خدمت خود و مردم باشند، ولی به علل روشن و قابل فهمی ناامید از ادامه کار هستند. کسانی که حتی ثروت دارند و کم و کسری مادی ندارند، ولی به لحاظ روحی و روانی دیگر کشش لازم را برای ماندن در کشور ندارند. این واکنش حتی از اعتراض های خیابانی نیز برای اداره امور خطرناک تر است، چون از یک سو ناامیدی را تشدید می کند، در حالی که اعتراضات خیابانی حداقل نوعی کششگری و فعال بودن را نشان می دهد. از سوی دیگر کشور را از مهم ترین سرمایه اش که نیروی انسانی کارآمد است، تهی می کند و این بزرگترین خسارت سرمایه های است و بالاخره خروج این افراد از کشور قطعاً با خروج شدید سرمایه مالی نیز همراه خواهد شد و یک شوک دیگر به قیمت ارز و ارد می کند و چه بسا آن را به ۴۰ هزار تومان نیز برساند و شیراز، هامور اقتصادی را از هم بپاشاند. فراموش نکنیم که بخش مهمی از رشد قیمت ارز در ۳۰ سال گذشته ناشی از تقاضای این نوع از بود که به خروج سرمایه از کشور منتهی شد و ربطی به ارزش واقعی یا قدرت خرید ریال نداشت.



جعفر کلابی

نگاه کارشناس

مدیریت بحران کرونا در موج پنجم

این روزها با شیوع موج پنجم همه گیری ویروس کرونا در محدوده زمانی تغییر دولت خیلی نمی توان به پیگیری و جدیت و پیگیری مدیران کنونی سامانه سلامت حداقل در هفته های آینده تارای اعتماد مجلس به کابینه ریسی امید داشت. مهم ترین نقصان واکسینه نشدن بیشتر مردم تا پایان دولت روحانی است، البته بسیاری از مردم توصیه های بهداشتی را جدی



مهدی زارع

نگرفته اند. به هر حال نکته هایی هست که در شیوع گستره کرونا به طور جدی تر باید رعایت کرد. هر نفر که در همین تحولات سیاسی تغییر دولت در هفته های آینده مبتلا شود و خدای نکرده جان خود را از دست بدهد، همه ما مسوولیم. ۱- تسریع در واکسیناسیون همگانی: مسوولان بهداشتی، و شورای شهر به جد پیگیر شوند تا همه مردم به سرعت واکسینه شوند. شرط ورود به شهرهای توریستی را واکسینه شدن بگذارید. واکسن کافی البته باید به فوریت تهیه و در دسترس مسوولان بهداشتی شهر و اورژانس شهرهای توریستی قرار بگیرد. ۲- مهمانی و شب نشینی های همیشگی را لغو کرده، به عبادت بیماران فامیل نروید. تلفنی عذرخواهی کرده و حال بیمار را جویا شوید، در ادارات نکات لازم را رعایت می کنید، با فاصله گیری از هم و ماسک زدن (حداقل دو ماسک روی هم و برای همگان) مانع از سرایت کرونا شوید. ۳- زیارت اهل قبور در پنجشنبه ها تا اطلاع ثانوی تعطیل شود. کلیه مراسم ختم و بزرگداشت یاه صورت مجازی یا در فضای کاملاً باز با حداقل نفرت برگزار شود. متولیان مساجد و آرامستان های شهر به دقت این محدودیت ها را رعایت کنند. ۴- متأسفانه عده ای این خطر را جدی نمی گیرند و همچنان برای حضور در مراسم ختم و دادن سرسرامتی اصرار دارند و با دادن اعلامیه های تحریع همگانی انتظار خود را دوست و فامیل را برای حضور در مراسم تازه در گذشته شان عنوان می کنند. **ادامه در صفحه ۸**

سلام بر آینده

جناب آقای ریسی



عباس عیبی

باسلام و احترام طبیعی است که در این روزها ذهنیت و توجه شما به انتخاب همکاران متمرکز شده باشد و کمتر فرصت کنید تا به گزارش های دیگر بپردازید. ولی واقعیت این است که طرح مشهور به صیانت... چنان مشکلی را برای مدیریت شما از همان آغاز ایجاد خواهد کرد که به این سادگی نمی توان بر آن غلبه کرد. ماجرا این است که اینترنت به رغم تمام مشکلاتی که دارد با دو عنصر مهم در هم تنیده شده است: اول کار و دوم زندگی جاری مردم. هر گونه محدودیتی در این زمینه با واکنش مواجه خواهد شد. واکنش ها نیز از تشدید اعتراضات میدانی گرفته تا خشم و بدبینی و حتی فحاشی رخ خواهد داد. ولی به نظر من دو واکنش آن بیش از هر چیزی برای دولت شما پرهزینه خواهد بود.

اول، کاهش امید است. به رغم همه ناملایمات، حدود ۴۵ درصد مردم فکر می کنند که با آمدن شما وضع بهتر خواهد شد. اولین وظیفه دولت افزایش این تعداد است. همین امید موتور محرک برای انجام کارهای موثر تر است. پس هر اقدامی که این نسبت امیدواری را کم کند، به عنوان مانع در راه دولت شما خواهد بود. بنده با توجه به تجربیاتم با اطمینان می گویم که تصویب این طرح به کاهش امید و اعتماد نسبت به دولت شما منجر می شود. این ادعا یا فرضیه را می توان به سادگی و از طریق نهادهای موجود و معتبر نظرسنجی آزمون و تأیید یار کرد این کار ناصواب و سوگیرانه برخی نمایندگان در هنگامه آغاز به کار دولت شما، ضربه سنگینی به فرآیند اعتماد آفرین به دولت شماسست. شاید برخی معتقد باشند که هدف این طرح محدود کردن نیست، با توجه

جناب آقای دکتر محسن امین زاده سرکار خانم مهناز اصغر زاده

ضایعه در گذشت مادر مومنه و پرهیزگار آقای امین زاده موجب تألم و تأثر شدید گردید. بدینوسیله در گذشت ایشان را خدمت شما و کلیه منسوبان تسلیت عرض نموده، برای این بانوی بافضیلت و مومنه علو در جات و آموزش الهی خواستاریم. روح آن مادر عزیز در عالم بالا شاد باد. از خداوند مهربان برای شما صبر، شکیبایی و پاداش نیکومی طلبیم.

طاهره رضازاده - ابراهیم اصغر زاده

یاد

پرواز راوی روایت همدلی



مجتبی نوری

ویژگی های مشترک دارند که راجبی عزیز واجد تمام آنها بود. رفاقت ۱۰ ساله و نزدیک باو به نگارنده این سطور امکان می دهد که او را یکی از بی آرایش ترین و بی توقع ترین افراد روزگار بدانم. شاعری که در تعاملات خود سادگی و صداقت را اصل قرار داده بود و از هیچ کس توقعی برای کمک به فعالیت های پر شمارش نداشت. پشتکاری عجیب داشت که مهم ترین لازمه فعالیت در عرصه فرهنگ است، چرا که تنها پیش پایش را نمی دید و افق های دور تر را مدنظر داشت و باورمند بود که با تلاش و پایداری در یک مسیر حتماً نتایج درخشانی به دست خواهد آمد. بر این اساس پروژه های زمان بر را روی دست می گرفت. پروژه هایی که شاید هیچ کس دیگری یارای ورود به آن را نداشت، مطابق همین روحیه صبورانه به عرصه هایی ورود می کرد که پیش از او یا کسی به آن فکر یا جرات ورود به آن را پیدا نکرده بود. محمد سرور راجبی دغدغه های مشخص و متعالی داشت و همین دغدغه ها بود که تمام فعالیت هایش را جهت می داد. **ادامه در صفحه ۳**

گیلان

گلایه از کارنامه دولت روحانی در گیلان



غزل لطفی

است ۹ کیلومتر باقی مانده از آزاد راه قزوین - رشت در منطقه رودبار را به پایان برسانند. آزاد راه رشت - قزوین ۱۳۰ کیلومتر طول دارد که ۱۲۹ کیلومتر آن به بهره برداری رسیده است؛ بخش ای باقیمانده این محور، حداقل متجیل تارودبار به طول ۱۱۳ کیلومتری که می شود که از این میزان ۳۱ کیلومتر در سال ۹۵ به بهره برداری رسید و ۸۲ کیلومتر و بهر مندی قالب دو قطعه به طول ۳۳ و ۴۹ کیلومتر و بهر مندی از ۷ دستگاه پل به طول ۱۶۸۷ متر و ۴ دستگاه تونل به طول ۲۸۳۱ متر، از زمستان سال ۹۷ آغاز و تا الان ادامه دارد. بدیهی است در دولتی که هزاران کیلومتر جاده احداث کرده است از نظر تخصصی مشکلی برای ساخت این مسیر کوتاه نیز نبوده مگر عدم اهتمام و دغدغه مندی مسوولان استانی و کشوری، با نگاهی دقیق تر در می یابیم که راه آهن تهران - رشت نیز افتتاح شده است اما پس از شروع فعالیت، پروژه تکمیل ایستگاه های آن به کندی پیش می رود تا آنجا که امروز فقط هفته ای دوبار سوت قطار را در آن می شنویم. قطاری که اگر هر روز به گیلان سر می زد شاید بخش عمده ای از رفت و آمدهای این استان توریست پذیر را بر عهده می گرفت. همین دو موضوع که از اصلی ترین شریان های حمل و نقل برای این استان است؛ به ما نشان می دهد، گیلان نیازمند نگاهی ویژه در دولت آینده است تا هم راه آگاهی با شرایط این استان، بتواند در طی کردن قدم های توسعه استانی، سریع تر و اصولی تر گام بردارد. **ادامه در صفحه ۸**

دولت تدبیر و امید در حال طی کردن آخرین روزهاست. دولتی که هر چند تحریم ها، بلایای طبیعی و کرونا ویروس شفای محمد سرور راجبی عزیز بودند و از حال نامساعدش عزیز بودند و از او قطع امید کرده بودند خبر داشتیم، اما نمی توانستیم باور کنیم او که نشانه صبر و پایداری بود، این گونه تسلیم و ویروس کرونا نشده است. شاید بسیاری راجبی را نمی شناختند و این حجم از پیام های تسلیت و همدردی پر سرشی در ذهن شان درباره این چهره فرهنگی ناب ایجاد کرده باشد. بی شک درباره او سطور و فصل ها و کتاب ها می توان نوشت و دوستانش خواهند نوشت، اما اگر بخواهیم این دوست نازنین را در یک کلمه معرفی کنیم باید او را به معنای واقعی کلمه فرهنگی بنامم. در نظر گاه من چهره هایی که خود را وقف فرهنگ می کنند ناب ترین افراد هر جامعه هستند و برخی

دولت تدبیر و امید در حال طی کردن آخرین روزهاست. دولتی که هر چند تحریم ها، بلایای طبیعی و کرونا ویروس شفای محمد سرور راجبی عزیز بودند و از حال نامساعدش عزیز بودند و از او قطع امید کرده بودند خبر داشتیم، اما نمی توانستیم باور کنیم او که نشانه صبر و پایداری بود، این گونه تسلیم و ویروس کرونا نشده است. شاید بسیاری راجبی را نمی شناختند و این حجم از پیام های تسلیت و همدردی پر سرشی در ذهن شان درباره این چهره فرهنگی ناب ایجاد کرده باشد. بی شک درباره او سطور و فصل ها و کتاب ها می توان نوشت و دوستانش خواهند نوشت، اما اگر بخواهیم این دوست نازنین را در یک کلمه معرفی کنیم باید او را به معنای واقعی کلمه فرهنگی بنامم. در نظر گاه من چهره هایی که خود را وقف فرهنگ می کنند ناب ترین افراد هر جامعه هستند و برخی